



درباره "اولویتها و جهت گیریها"

پلاتفرمی برای
رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با کورش مدرسی

خوب ما را به جایی نمیرساند. باید تصویری روشن از موقعیت سیاسی ایران و موقعیت حزب را مبنا قرار داد و اهم‌های تغییر وضعیت را شناخت. در نتیجه این سند بر یک ارزیابی کنکرت از اوضاع سیاسی ایران و جهان و موقعیت حزب کمونیست کارگری ایران استوار است. حزب کمونیست کارگری ایران برای

صفحه ۲

ایران برای تصرف قدرت سیاسی است. ما این مسیر را باید در شرایط مشخصی طی کنیم. این شامل شرایط ایران، جهان و همچنین خود حزب است. اولویت‌های ما طبعاً لیست همه کارهای خوب و یا کارهای مفیدی که حزب باید یا میتواند انجام دهد نیست. انرژی ما و فرصتی که برای پاسخ گوئی به مسائلی که در مقابل ماست داریم آنقدر محدود است که لیست کارهای

اجازه بدهید ابتدا بپرسیم که پلاتفرم شما کلاً چه هدفی را در مقابل حزب قرار میدهد و چه شکل و شمایل می‌خواهد به حزب بدهد؟

کورش مدرسی: نکته شما درست است. این سند در شکل بسیار موجزی تنظیم شده. اگر بخواهیم به تک تک بندهای این سند و ارتباط این بندها با هم بپردازیم کار کاملاً از محدوده امکانات "هفتگی" خارج است. حتماً باید در قالب‌های دیگری به این مسائل پرداخت. در خطوط کلی، محور جهت‌گیری‌های ما افزایش قدرت اجتماعی، سیاسی و سازمانی حزب کمونیست کارگری

هفتگی: سند اولویت‌ها و جهت گیری‌ها (پلاتفرمی برای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران) که توسط شما به پلنوم ۱۷ کمیته مرکزی ارائه شد و دفتر سیاسی حزب آنرا تصویب کرده در انترناسیونال هفتگی شماره ۱۵۵ چاپ شد. این سند، همانطور که از عنوان آن بر میآید اولویت‌ها و جهت گیری‌های حزب کمونیست کارگری ایران را تعیین کرده است و در واقع شمای مسیر حرکت آینده حزب را ترسیم میکند. پرداختن به زوایای مختلف خارج از مقدمات نشریه هفتگی است. در نتیجه اینجا به بحث در مورد خطوط کلی این سند اکتفا میکنیم.



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت

منصور حکمت
صفحه ۴

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۵۸

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۲

۹ مه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

سناریوی شوم و سیاه آمریکا باید متوقف شود!



آذر ماجدی

نگاهی به شرایط عراق

ها و تلاش‌های مردم سازمانیافته، و در نتیجه عمل انقلابی و متشکل مردم انجام نگرفت، بلکه در نتیجه تجاوز و حمله نظامی یک ابر قدرت قلدر و زورگو بوقوع پیوست. در چنین شرایطی نه تنها مردم به دخالت فعال در تغییر شرایط و بلست گرفتن

قرار گرفته است. علیرغم آنچه رسانه‌های غربی تصویر میکنند، سقوط دیکتاتوری صدام به آزادی، شادی و همبستگی منجر نشد. دلیل آن روشن است: دولت سرکوبگر صدام در نتیجه انقلاب مردم سرنگون نشد، سقوط این رژیم در اثر فعالیت

عراق دوران تاریکی را از سر می‌گذراند. آمریکا و بریتانیا این کشور را به ورطه نابودی کشانده‌اند. هر نوع نشانه مدنیت یا توسط بمباران‌های ممتد از میان رفته است و یا در آشفته بازار پس از فروپاشی دولت در حال اضمحلال

صفحه ۴

اعتراضات سراسری معلمان، یک جمع‌بندی



سازمانیافتگی و سراسری بودن این حرکت بود. معلمان در این روز در واقع با دست‌زدن به یک اعتصاب اختطاری و اعلام خواسته‌هایشان، قدرت خود را به نمایش گذاشتند.

حرکت سراسری معلمان در ۱۳ اردیبهشت یک اتفاق سیاسی مهم بود که بار دیگر توجه کل جامعه را

ساله اخیر و اولتیماتوم آنها برای برپایی اعتراضی سراسری در این روز صورت گرفت. در این روز معلمان همزمان و در سرتاسر ایران دست از کار کشیدند و برخاستهای خود پافشردند. آنچه که حرکت اخیر معلمان را نسبت به اعتراضات تاکنونی آنها متمایز میکرد میزان

شهلا دانشفر

روز ۱۳ اردیبهشت معلمان دست به اعتصابی سراسری زدند و در برابر ادارات آموزش و پرورش تجمع کردند. این اعتصاب و تجمع بنیاب اعتراضات مکرر معلمان در سه

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

مصاحبه با گورش مدرسی

اینکه به قدرت نزدیک شود و در موقعیت مناسب تری برای گرفتن قدرت سیاسی قرار گیرد باید هم تغییرات مشخصی در دنیای بیرون خود، یعنی جامعه، بوجود آورد و هم خود تغییرات معینی را در خود بوجود آورد و بقول شما در شکل و شمایل خود تغییراتی بدهد. و اینها را باید در مدت مشخصی انجام دهد. اگر تیتیر وار بخواهم اشاره کنم حزب کمونیست کارگری ایران باید مدعی اصلی قدرت در ایران بشود. جمهوری اسلامی تمام عوارض یک رژیم در آستانه سقوط را از خود نشان میدهد. بر عکس آنچه تنورسین‌های دوزخ‌دانی ما میدانند جمهوری اسلامی در مسیر متعارف شدن نبود و نیست. نمیتوانست باشد. رژیم اسلامی هیچ راه حلی برای اقتصاد ایران ندارد. حکومت اسلام سیاسی با تولید و باز تولید سرمایه‌دارانه جامعه خوانائی ندارد. این حکومت برای سرکوب مردم بود نه برای یک حکومت متعارف برای اداره جامعه. اما ابزار سرکوب مردم خود به محمل و محور اعتراض مردم تبدیل شده است. جمهوری اسلامی با جامعه ایران بلحاظ فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی خوانائی ندارد. شکست دو خرداد همه حبابهای توهم را ترکاند، اپوزیسیون طرفدار رژیم را به مردم شناساند و همه آنچه که با وجود جمهوری اسلامی قابل حصول بود را به آخر رساند. امروز میان مردم ایران و تنها راه واقعی برای نجات از نیکت جمهوری اسلامی، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی، مانع فکری و سیاسی جدیی وجود ندارد. رویارویی میان مردم و جمهوری اسلامی وارد مرحله آخر خود شده است. جمهوری اسلامی میتواند بسادگی در یکی از همین رودرروئی‌هایی که روزانه میان آن با مردم روی میدهد ساقط شود. این موقعیت و این چشم انداز البته به‌همراه خود سوالات جدیی را مطرح میکند. بعد از جمهوری اسلامی چه میشود؟ چه نیرویی جای جمهوری اسلامی را خواهد گرفت؟ سوالی که در مقابل ما قرار میگیرد این است که حزب کمونیست کارگری ایران چگونه باید تصمیم کند که تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی رژیم دیگری به مردم تحمیل نخواهد شد بلکه در ایران یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و خوشبخت، یک جامعه سوسیالیستی مستقر میشود. تنها راه ضمانت این آینده حکومت حزب کمونیست کارگری ایران است. در نتیجه سوال این است که برای اینکه حزب بتواند جامعه را به این سمت سوق دهد و خطرات موجود در این مسیر را به حداقل برساند، چه باید بکند؟ چه تغییری در ذهنیت مردم باید

بوجود آید؟ چه تغییری در رابطه میان مردم با حزب کمونیست کارگری باید بوجود آید؟ خود حزب باید در چه وجوهی تغییر کند و بلحاظ فکری و عملی آمادگی پاسخ گوئی به چه نوع مسائلی را داشته باشد؟ نیش سند اولویتها پاسخ گوئی به این چه باید کردها است. چگونه در شرایط امروز حزب کمونیست کارگری ایران باید بسمت قدرت سیاسی خیز بردارد؟ حزب کمونیست کارگری ایران باید به سرعت به یک حزب سیاسی توده‌ای قدرتمند تبدیل شود. باید پرچم "نه مردم به جمهوری اسلامی شود. مردم وقتی میگویند جمهوری اسلامی "نه باید منظورشان این باشد که حزب کمونیست کارگری ایران را میخواهند. همه بند های پلاتفرم را این جهت‌گیری به هم می‌چسباند و رنگ این جهت‌گیری را در همه بندها میتوان دید. بندهای اول و دوم پلاتفرم در اساس این جهت‌گیری یا هدف را بیان میکنند. بند اول تاکید میکند که حزب باید به نیروی اصلی مدعی قدرت سیاسی تبدیل شود. و بلحاظ فکری، عملی و تشکیلاتی آمادگی پاسخگوئی به مسائل مربوط به سقوط جمهوری اسلامی را داشته باشد. بندهای دیگر در واقع اهرچای رسیدن به این موقعیت را نشان میدهند. تعدادی از این بندها به مصافحای سیاسی جامعه اشاره میکنند، تعداد دیگری از بندها اهرم‌های تغییر رابطه میان مردم با حزب را مد نظر قرار میدهند و بالاخره بعضی از بندهای پلاتفرم معطوف به تغییر در خود ساختار حزب هستند.

هفتگی: در این زمینها آیا پروژه‌های مشخصی هست؟
گورش مدرسی: حتما این طور است. رسیدن به این اهداف با چند پروژه زمان بندی شده قابل انجام نیست. این سند نوعی استرژتی است که باید با پروژه‌های متنوع، با ابتکارات سیاسی، اجتماعی و تشکیلاتی مختلف پیگیری شود. در خیلی از موارد پروژه‌ها و ابتکاراتی از قبل شروع شده است، در موارد دیگری ما در حال انجام کارهای جدید هستیم، اما راستش بخش اعظم کارهایی که باید بشوند را ما هنوز آنطور که باید شروع نکرده‌ایم. دوره آینده کار ما در همه عرصه‌ها باید دوره ابتکارات و جهش‌های بزرگ باشد. حزب کمونیست کارگری ایران باید به نیروی مسلط در فضای سیاسی ایران تبدیل شود و برای این کار فرصت زیادی نیست.

هفتگی: از فرصت کم صحبت کردید. آیا برنامه‌زمانبندی شده‌ای دارید؟
گورش مدرسی: حتما باید برای خیلی از این اهداف برنامه‌ای با شاخص زمانی داشت. خیلی از این کارها قابل تشخیص با شاخص‌های کمی هستند. در نتیجه باید بشود گفت چه مدت طول میکشد که به این شاخص‌ها برسیم. و البته بعضی از اهداف که بدست آوردن خاصیتها و قابلیت‌ها و یا مشخصه‌های

جدید است تدریجی تر هستند. و بالاخره رسیدن به بعضی از این اهداف تنها به حزب ما بستگی ندارد. رویارویی مردم با جمهوری اسلامی منطق و دینامیسم خود را دارد که لاقال امروز هنوز بخش زیادی از آن از حیطة اختیار ما خارج است. ما بارها گفتیم که احزاب انقلاب نمیتوانند آنرا رهبری میکنند. انقلاب بیدیه پیچیدتری است که فاکتورهای پیچیدتری سرعت و دامنه آنرا تعیین میکنند. در هر صورت ما باید بتوانیم طی مدت معینی به بخش قابل ملاحظه‌ای از این اهداف برسیم.

هفتگی: شما در مقدمه سند اولویتها و جهت‌گیریها اشاره میکنید که این سند اساسا همان پلاتفرم منصور حکمت است با این تفاوت که سه فاکتور از دست دادن منصور حکمت، تغییر موقعیت حزب در صحنه سیاست و جامعه ایران، و حمله آمریکا به عراق و پیامدهای آن در رابطه با ایران و در سطح جهانی و عروج رادیکالیسم جدید در سطح جهان نسبت به امروز عوض شده است. اجازه بدهید کمی در این مورد هم صحبت کنیم. جنبه‌های مهمی که حزب را تحت تاثیر فاکتور از دست دادن منصور حکمت قرار میدهد چه هستند و برای جبران آنها یا برخی از آنها چه باید کرد؟

گورش مدرسی: همانطور که در مقدمه سند ذکر شده بخش اعظم و اساسی این سند همان بندهای پلاتفرم منصور حکمت است. اما در فاصله میان تاریخ نوشتن پلاتفرم منصور حکمت، یعنی ژوئن ۱۹۹۹ تا امروز، یعنی حدود ۴ سال اوضاع تغییرات جدی کرده است که باید مورد نظر قرار گرفته شود. قبلا گفتیم که سند اولویتها لیست کارهای خوب و مفید نیست. کارهایی است که برای رسیدن به مقصد باید انجام داد. اینکه کجای مسیر هستید و با چه سرعتی میتوانید حرکت کنید لیست شما را تحت تاثیر قرار میدهد. ما در این فاصله تغییر کرده ایم، دنیای بیرون ما هم تغییر کرده است، باید اینها را دید. همانطور که اشاره کردید یک فاکتور اصلی که تنها بر حزب کمونیست کارگری بلکه بر کل فضای سیاسی ایران تاثیر میگذارد از دست دادن منصور حکمت است. این اتفاق بدترین لطمه‌ای بود که حزب ما و جنبش ما میتوانست بخورد. من در سخنرانی در پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی نظرم را نسبتا به تفصیل در این مورد تشریح کردم که در هفتگی شماره ۱۲۱ منتشر شده است. از دست دادن منصور حکمت حزب کمونیست کارگری را با مسائل بشدت متنوع و وسیعی روبرو میکند که رهبری حزب باید آنها را مد نظر داشته باشد. بخشی از خلا ناشی از از دست دادن منصور حکمت قابل پر کردن نیست. در همان بحث "حزب کمونیست کارگری بعد از منصور حکمت" گفتیم

که منصور حکمت با سپردن مسئولیت به کس یا کسانی قابل جایگزین کردن نیست. شخصیت‌هایی مانند مارکس، لنین یا منصور حکمت بیشتر در تاریخ رخ میدهند. کاری که ما، بعنوان حزب، میتوانیم یا باید انجام دهیم این است که یک جنبه از کاری که منصور حکمت میگرد را تامین کنیم و آن رهبری و هدایت حزب است. رهبری و کادراهی حزب کمونیست کارگری باید بتوانند یک حزب سیاسی توده‌ای را بوجود آورند، تحرک و پویائی حزب، انسجام و اتحاد آن و مارکزیالیسم انسانی آن را نگاه دارند و این حزب را بقلرت برسانند. این خود را قطعا در نحوه فرمولبندی سند و رنگ و وزنه بخش‌های مختلف نشان میدهد اما بعلاوه مسائلی از قبیل حفظ وحدت و یک پارچگی حزب و بویژه در سطح کادراهی آن باید مورد توجه ویژه قرار گیرد و مکانیسم های تضمین این اتحاد وسیعا بکار گرفته شوند.

هفتگی: فاکتور دومی که در مقدمه شما به آن اشاره شده مربوط به تغییر موقعیت حزب در صحنه سیاسی ایران و تغییر توازن قوا به نفع حزب است. این تغییر موقعیت حزب چه مسائل جدید سیاسی، عملی و سازمانی را در مقابل حزب قرار میدهد که باید به آن جواب داد؟

گورش مدرسی: موقعیت حزب و توازن قوا نسبت به چهار سال قبل به نحو مهمی تغییر کرده است. حزب کمونیست کارگری امروز یکی از شاخه‌های ترین احزاب سیاسی ایران است. رهبران، کادراها و فعالین آن را بخش‌های وسیعی از مردم میشناسند. منصور حکمت یکی از سرشناس ترین شخصیت‌های سیاسی ایران است. موجودیت سیاسی، اجتماعی و تشکیلاتی حزب در ایران امروز به مراتب از موجودیت آن در خارج کشور وسیع تر است. ایستادگی حزب در مقابل جمهوری اسلامی و اپوزیسیون پرو رژیم نفوذ و اعتبار عمیقی برای حزب ایطجاد کرده است. شکست دو خرداد پیروزی حزب کمونیست کارگری ایران بود. اما همچنین دفاع بی کم و کاست حزب از برابری زن و مرد، مقابله با مردسالاری و تعرض دائم به عقب ماندگی، شرق زدگی، مذهب زدگی و دخالت مذهب در دولت حزب را به یک نیروی بسیار پر نفوذ تبدیل کرده است. اگر مثلا چهار سال قبل مشغله ما شناساندن حزب کمونیست کارگری و شکل دادن به یک موجودیت حزبی در درون کشور بود، امروز مشغله ما ایجاد یک جریان متشکل توده‌ای در ایران است. امروز حزب کمونیست کارگری به یکی از دو قطبی تبدیل شده است که جامعه باید آنرا انتخاب کند. جامعه امروز در مقابل انتخاب راست یا چپ قرار گرفته است و چپ امروز در جامعه ایران معنایی جز حزب کمونیست کارگری ندارد. تبدیل سرنگونی جمهوری اسلامی

به تنها راه واقعی مقابل مردم به همراه خود باعث عروج نیروهای سرنگونی طلب شده است. حزب ما شاخص ترین نیروی این میدان است. همه اینها حزب را در موقعیت کاملا متفاوتی با چهار سال قبل قرار میدهد و بلحاظ سیاسی و بلحاظ عملی مسائل جدید و اولویت‌های جدیدی را در مقابل ما قرار میدهد. مثلا این واقعیت خود را در بند ۷ تا ۱۱ پلاتفرم نشان میدهد. جهت‌گیری‌هایی نظیر: گسترش حضور سیاسی، تبلیغی و سازمانی حزب در داخل کشور، گسترش موجودیت حزب در داخل کشور به ترکیبی از یک جنبش اجتماعی و یک تشکیلات پر نفوذ، با برد سیاسی وسیع که قادر به دخالت فعال، نقش‌مند، موثر و امن در تعیین تناسب قوای سیاسی و اجتماعی باشد. تشکیلاتی که بلحاظ فکری و عملی آمادگی بسیج توده‌های رودرروئی با اوضاع متحول جامعه را داشته باشد. یا "تبدیل سازمان جوانان کمونیست به سخنگو و سازمان اصلی اعتراض جوانان به جمهوری اسلامی. ایجاد یک سازمان وسیع و پر نفوذ توده‌ای جوانان کمونیست در ایران، دخالت فعال در مجادلات فکری جریان چپ و کمونیست در میان جوانان، بویژه در دانشگاهها و جلب کانون‌های فکری و مبارزاتی دانشجویی به کمونیسم کارگری و حزب. جلب و جذب توده هرچه وسیعتر جوانان به مارکسیسم مارکس و منصور حکمت. عروج سازمان جوانان کمونیست به عنوان سازمان متشکل کننده اصلی جوانان در دانشگاهها و محلات". گسترش وسیع فعالیت حزب در کردستان. حفظ فشار سیاسی، فکری و فرهنگی بر ناسیونالیسم کرد. تمرکز قوا برای تبدیل هرچه سریعتر شهرهای کردستان به پایگاههای سیاسی، فکری، فرهنگی و تشکیلاتی حزب کمونیست کارگری. تبدیل تشکیلات کردستان حزب به یک تشکیلات سیاسی وسیع و پرنفوذ و قدرتمند توده‌ای در کردستان. منزوی کردن تشکلهای و جریان‌های ناسیونالیست کرد. تامین حضور مسلحانه قوی، ایجاد پتانسیل گسترش نظامی سریع و آمادگی سیاسی، فکری و عملی حزب برای دخالت سریع و موثر در کردستان در شرایطی که قبل از سرنگونی جمهوری اسلامی کنترل دولت بر کردستان تضعیف شود. تبدیل حزب به نیروی اصلی اپوزیسیون در کردستان. " این بندها همه رنگ موقعیت جدید حزب را دارند.

هفتگی: درباره خیز برداشتن حزب به سمت قدرت سیاسی، حزب با چه امکانات و موانعی روبروست و از نظر شما در این باره باید رهبری حزب چه اقدامات لازم و اساسی را انجام دهد؟
گورش مدرسی: روشن است که در این راه مهمترین عامل خود جمهوری



اسلامی است. اما این همه واقعیت نیست. نفس رابطه حزب با مردم به محکمیتی که باید باشد نیست، هنوز قابلیت دخالت و اعمال قدرت حزب محدود است و هنوز توازن قوا در مقابل جمهوری اسلامی و همچنین در مقابل قطب راست بورژوازی را باید تغییر داد. مردم میگویند جمهوری اسلامی افتاده است، کسی نیست آنرا بردارد. این رنگی از واقعیتی را دارد که قبل تر به آن اشاره کردم. اما بهر حال دیر یا زود کسی پیدا میشود که این رژیم را بردارد. وقتی میبوسید حزب برای خیز برداشتن به سمت قدرت با چه موانعی روبرو است در واقع باید پرسید که چگونه حزب باید به نیروئی تبدیل شود که "جمهوری اسلامی را برمیدارد" و یا اگر زودتر از آن جمهوری اسلامی فروپاشید چگونه حزب باید نیروئی باشد که بتواند لاقول یک پای قدرت باشد. تضمین این موقعیت با یک یا چند کار ممکن نیست. مجموعه‌ای از کارها باید انجام شود و تغییرات باید روی دهد. حتی اهدافی که در جواب به سوال قبل اشاره کردم هم از همین جنس هستند. مجموعه‌ای از پروژه‌ها و اقدامات باید این اهداف را متحقق کنند. در این رابطه جهت گیری‌هایی نظیر "حفظ حزب در مرکز صحنه سیاسی اپوزیسیون ایران"، "تامین دخالت فعال حزب در جدلهای فکری و سیاسی جامعه"، "جلب و جذب رهبران و آئیلتانورهای رادیکال، آزادیخواه و سوسیالیست و کانونهای فکری و مبارزاتی در ایران به حزب" که در بند ۳ پلتفرم توضیح داده شده مهم هستند - در همین ردیف میتوان به بند ۵ و ۶ اشاره کرد که بر نکاتی از این قبیل انگشت میگذارند: "شفافیت و گشایش حزب بروی جامعه، حضور هرچه وسیعتر شخصیتها و چهره‌های شناخته شده کمونیست در صحنه مبارزه اجتماعی، رشد دخالتگری حزب در کلیه کشمکشها و جدلهای سیاسی بر سر آزادی و برابری و رفاه اجتماعی. قد علم کردن حزب به مشابه یک نیروی رهبر کل جامعه، حضور حزب در نبرد هرروزه بر سر افکار و کردار سیاسی توده‌های وسیع مردم" و بالاخره "راه اندازی و کمک به ایجاد و گسترش پروژه‌هایی که دسترسی حزب به مردم را گسترش میدهد و پروژه‌هایی که تصویر روشن‌تری از قدرت و قابلیت حزب را در مقابل جامعه قرار میدهد". این جهت گیری‌ها در کنار اقلامی که در سوال قبل به آنها اشاره کردم جایگاه مهمی در این رابطه دارند.

هفتگی: درباره فاکتور سوم، یعنی پیامدهای حمله آمریکا به عراق به نکات متعددی اشاره کرده اید. اولاً تاثیر پذیری خود موقعیت جمهوری اسلامی از این واقعه قطور است، ثانیاً نقش و جایگاه احزاب سیاسی اپوزیسیون

ایران بعد از سقوط حکومت صدام و استقرار نیروهای آمریکا در عراق چگونه است، ثالثاً تاثیر این مساله روی حزب کمونیست کارگری ایران چیست؟

گوروش مدوسی: باز کردن ابعاد این مسئله در این جا ممکن نیست من تنها به جنبه‌هایی از پیچیدگی جدید در فعالیت سیاسی در ایران اشاره میکنم. جنگ آمریکا علیه عراق کل جغرافیای سیاسی جهان و، بطریق اولی، منطقه خاورمیانه و ایران را تغییر داده است. آمریکا فعلاً یک نیروی نظامی مستقر در عراق است که میتواند با دست و بال بسیار بازتری سیاست نظم نوین خود در منطقه را اجرا کند. فشار برای تحمیل حکومت مورد نظر خود بر مردم ایران، بویژه با بی‌ثباتی بیشتر جمهوری اسلامی، میتواند یکی از اقدام اصلی سیاست آمریکا در قبال ایران شود. آمریکا هم مثل همه احزاب بورژوازی ایران منفعشتن ایجاد میکند که جای رژیم اسلامی را یک رژیم مستبد دیگر در ایران بگیرد. مبنای بازسازی اقتصاد ایران در چارچوب سرمایه‌داری جز با تامین کار ارزان ممکن نیست. این سیستم استبداد طلب میکند. این موقعیت آمریکا ایران را با خطر تکرار تراژدی عراق و از هم گسیختن شیرازه جامعه مدنی روبرو میکند و از طرف دیگر نیروهای راست طرفدار آمریکا که فعلاً دور سلطنت طلب‌ها جمع شده‌اند را هم از امکانات بیشتر برخوردار میکند. در قیاس با عراق سه فاکتور را باید در نظر داشت: اولاً در ایران یک جنبش عظیم توده‌ای علیه جمهوری اسلامی در جریان است که مخالفت آشکار آن با اتخاذ چنین سیاستی از جانب آمریکا انجام این سیاست را بسیار مشکل میکند. دوم وجود حزب کمونیست کارگری ایران است که مانع مهمی در راه اتخاذ چنین سیاستی است و سوم اینکه رویدادهای عراق، تحقق سناریو سیاه در این کشور، و همچنین جنبش جهانی ضد جنگ و نقشی که ما در نمایندگی کردن این جنبش در ایران داشتیم، مردم ایران را در ابعاد وسیعی با تالیخ مخرب سیاست آمریکا آشنا کرده و آنتی‌پاتی وسیعی را نسبت به این سیاست آمریکا دامن زده است. اینها یعنی محدودیت در دامنه عمل آمریکا و نیروهای متحش. حزب کمونیست کارگری ایران در جریان جنگ و بعد از آن در این چرخش فضای سیاسی ایران نقش داشته و باید به این کار ادامه بدهد. اما بعلاوه ما باید سه اهرم مهم را بکار بگیریم، اولاً باید مخالفت با اتخاذ دخالت نظامی آمریکا در ایران را به حداقل استاندارد اپوزیسیون در ایران تبدیل کنیم. بویژه باید جریان‌های راست طرفدار آمریکا را رسماً یا ضمناً پشت سیاست آمریکا

از صفحه ۱

اعتراضات سراسری معلمان

بخود جلب کرد. این حرکت بیان کننده قدرت بسیج سراسری آنان و وجود شبکه ای سازمانیافته از ارتباط در میان معلمان معترض در تهران و در اتصال با تمامی شهرستانهاست. شبکه ای از روابط سازمانیافته که میتواند در یک روز و در یک ساعت تعیین شده دست به حرکتی مشترک در اکثر نقاط تهران و در بخش عمده ای از استان های کشور تبدیل شود.

این واقعیت در کنار تصویری که معلمان از مبارزات خود در چند ساله اخیر از خود نشان داده اند و نیز در متن اوضاع سیاسی متحول ایران که هر حرکت اعتراضی فوراً با پشتیبانی وسیع مردم در جامعه روبرو میشود طبعاً جایگاه سیاسی مهمتری به مبارزات معلمان میدهد.

بویژه بدلیل شروع اعتراضات وسیع معلمان در سال ۸۰ و تداوم این اعتراضات تا کنون، مبارزات آنان در میان مردم و در ذهنیت جامعه توجه جلی ای را برانگیخته است. اعتراضات معلمان در سال ۸۰ یک واقعه سیاسی مهم در جنبش برای سرنگونی رژیم بود و نیروی معلمان را بعنوان یک بخش مهم در جامعه به جلوی صحنه آورد. رادیکالیسم موجود در مبارزات آنها، خواستها و مطالباتشان و اشکال مبارزات آنان بر روی اعتراضات بخش های دیگر جامعه تاثیر گذاشت و بطور واقعی توازن قوای سیاسی را به نفع مبارزات موجود در جامعه تغییر داد و الگوهای بهتری از مبارزه و سازماندهی را مطرح نمود. با توجه به این تجربه و با توجه به قدرت بسیجی که امروز در مبارزات معلمان شاهدیم و نیز با توجه به متصل بودن آنان به میلیونها دانش آموز و خانواده هایشان و مقبولیت خواستهایشان در سطح جامعه میتوان فهمید که چرا امروز بلند شدن هر صدای اعتراضی از سوی آنان فوراً به نقطه امیدیی در دل مردم و زنگ خطری جدی برای رژیم تبدیل میشود. میتوان فهمید که چرا حرکات اعتراضی معلمان در شرایط سیاسی امروز و تداوم این مبارزات میتواند به یک فاکتور سیاسی مهم در اوضاع امروز ایران تبدیل شود.

رفتاند از زیر فشار قرار داد که نتوانند چنین سیاستی را پیش ببرند. ثانیاً رابطه فعالی را با رادیکالیسم در حال عروج در جهان برقرار کنیم. این رادیکالیسم باید رنگ ما را بگیرد و یکی از اهرمهای مهم خنثی کردن نقش آمریکا و حتی شکست سیاسی آن است. ثالثاً رابطه فشرده و فعال ما با حزب کمونیست کارگری عراق در این زمینه هم حیاتی است. در مورد این قلم آخر، بدلیل اهمیت آن، اجازه می‌خواهم در جای دیگری مفصلتر صحبت کنم. ■

در برخورد به اعتراضات روز ۱۳ اردیبهشت رژیم تلاش کرد آنرا کم اهمیت جلوه دهد. با گفتن اینکه خواست آنها خواستی صنفی است کوشیدند تا ابعاد سیاسی موضوع را کم رنگ کند. اما حقایق قابل پرده پوشی نبود و ما در همین مدت کوتاه شاهد تکاپوی دولت برای آرام کردن اوضاع هستیم. بلافاصله در تمامی شهر ها دوباره وعده و وعید ها آغاز شد. کمیته های ویژه بررسی خواسته های معلمان تشکیل شد. اما معلمان همچنان بر خواسته هایشان مصر هستند و با اعتصاب اضطراری روز ۱۳ اردیبهشت اعلام داشتند که تا

وقتی به خواسته هایشان پاسخی داده نشود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. اعتصاب روز ۱۳ اردیبهشت را تشکلهای صنفی معلمان و شعبات آن در شهرهای مختلف فراخواندند اما قواعد و چهارچوب حرکت دیگر در چهارچوبی که آنها تعیین کرده اند باقی نماند. معلمان در این روز دست از کار کشیدند و خواسته هایشان را مطالبه کردند. موضوع اینست که معلمان از هر فرصتی برای بیان اعتراضاتشان استفاده میکنند، خواسته هایشان را مطرح میکنند و بر روی آن بطور جدی و رزمنده پافشاری نمودند. بطور مثال در مشهد هنگامیکه به دستور رئیس آموزش و پرورش نیروی انتظامی به محل آمد و خواست معلمان را متفرق کند و با بستن خیابانها مانع پیوستن مردم به حرکت اعتراضی آنان شد، معلمان به اعتراض بلند شده و با نیروی انتظامی رژیم درگیر شدند. واقعیت اینست معلمی که از حفقان و سانسور و وجود تفتیش عقاید در مدارس جانش به لب آمده است، معلمی که از هیچگونه امنیت شغلی برخوردار نیست و به لحاظ اقتصادی حتی درآمد متوسط آن مبلغی حدود ۱۴۰۰۰ تومان در ماه است یعنی از آخرین رقم نرخ فقری که این بار از سوی صادقی رئیس کانون عالی کار مطرح شده یعنی ۱۶۵۰۰۰ تومان نیز کمتر است، دیگر گوشش به این حرفها خریلار نیست و راهی جز اعتراض و مبارزه در مقابل خود نمی بیند. از اینرو معلمان مطالبات خود را پیگیری میکنند و قاعده اصلی مبارزاتشان را نیز خواسته هایشان تعیین میکنند.

گامی فراتر در سازمانیابی

با توجه به آنچه گفته شد و جایگاه مهمی که مبارزات معلمان در جامعه پیدا کرده است، باتوجه به ظرفیت و پتانسیلی که این مبارزات در جلب همبستگی و پشتیبانی مردم دارد و نیز با توجه به موقعیت کنونی معلمان به لحاظ درجه تشکل یافتگی و اتحادشان، امروز بیش از هر وقت بر ضرورت ایجاد تشکلهای واقعی معلمان باید تاکید داشت. تشکلی که بیان کننده خواسته های واقعی معلمان باشد و معلمان را حول این خواستها متحد و متشکل نگاه دارد.

طبعاً در متن همین حرکات و اعتراضاتی که انجام میگیرد معلمان هر روز متشکل تر میشوند و زمینه برای ایجاد تشکلهای واقعی آنان فراهم تر میشود. امروز ما شاهد وجود شبکه های وسیع مبارزاتی در سطح تهران و در اتصال با شهرستانها در میان معلمان هستیم. شبکه هایی که در درون آن اخبار رد و بدل میشود، هم نظری و تصمیم گیری میشود و به تصمیمی واحد و مشترک منتهی میگردد. شبکه هایی که در درون آنها معلمان کمونیست و مبارز نقش مهمی ایفاء میکنند. شبکه هایی که در واقع سازمان و اسکلت اصلی اعتراضات امروز معلمان را تشکیل میدهند. بنابراین میتوان گفت که امروز معلمان در یک قدمی ایجاد تشکلهای واقعی خود هستند. در این میان وظایف سنگین تری بر دوش معلمان کمونیست و معترض خواهد بود. وظیفه استحکام دادن به روابط موجود در میان معلمان در سطح تهران و در ارتباط با شهرستانها، مطلع نگاهداشتن معلمان از اخبار و مسایلی که میگذرد ایجاد همدلی و همزیانی در میان آنان برای گرفتن تصمیمات واحد و تلاش برای تشکیل یک تشکل واقعی معلمان و تحمیل آن به حکومت از جمله وظایف مهمی است که در مقابل معلمان شرط مهم پیشبرد این وظایف و چنین همدلی ای در میان معلمان پافشاری بر روی خواستها و مطالبات و در راس آن بر روی ضرورت تشکیل یک تشکل واقعی معلمین خواهد بود. ضرورتی باید به این ضرورت پاسخ داد. ضرورتی که شرط اتحاد و قدرت بیشتر مبارزات ما خواهد بود. ■

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

از صفحه ۱

سناریوی شوم و سیاه ...

اوضاع بدست خود تشویق و برانگیخته نمیشوند، بلکه به گوشه خانه های خود، به خلوت تنهایی خود، به آغوش استیصال و نا امیدی پرتاپ میشوند. سقوط دیکتاتور تحت چنین شرایط بلبشو و آشفتگی که در نتیجه خلاء قدرت بوجود آمده است، و همچنین بعثت غیبت مردم متشکل در صحنه، موجب پروبال گرفتن نیروهای سیاه ارتجاع، از جمله ناسیونالیسم کرد و عرب و اسلام سیاسی شده است. یک خصلت نگران کننده شرایط نوین عراق، درگیری های قومی، رشد نفرت قومی و مذهبی و تحرک اسلام سیاسی است. راهپیمایی هزاران نفر به سمت کربلا پیش نمایش بالایی است که در اثر فروری شدن اسلامی سیاسی بر سر مردم عراق نازل خواهد شد. این راهپیمایی نمایشی از جهل و ارباب و خشونت و نمونه کوچکی از ظرفیت اسلام سیاسی است، راهپیمایی مردمی که در تاریکی حفقان و تحت تسلط نیروهای جهل و تعصب بدنبال ملایان و یک مشت انسان غرق در خاک و خون که بر سر و بدن خود قه و زنجیر میکوبینند، براه افتاده بودند و شعارهای اسلامی سر میدادند. صحنه ای که قلب هر انسان آزاده ای را در برد میاورد توسط رسانه های غربی و دولت آمریکا آزادی مذهب و نمایشی از آزادی تازه بدست آمده مردم عراق نام میگردد. اینها برآستی نشانه های هشدار دهنده ای از سناریوی سیاهی است که در عراق در شرف پیاده شدن است.

سناریوی آمریکا

سناریوی اعلام شده آمریکا پیش از آغاز حملات نظامی بیشتر به فیلم های هالیوودی شباهت داشت: نیروهای "خوبی" از طریق یک عملیات سریع "جراحی" نیروهای اهریمنی را ساقط خواهند کرد و سپس همه چیز خوب و خوش و آزاد خواهد بود. سناریوی واقعی ولی به این ترتیب پیش نرفت. سقوط دولت صدام حسین علیرغم سرعت نسبتاً سریع آن هزینه انسانی بالایی داشت. بعلاوه، شرایط بعد از سقوط دولت بعث نیز از یک تراژدی بزرگ انسانی حکایت میکند، و در صورت عملی شدن نقشه آمریکا آینده هم چیزی بجز محرومیت، سرکوب و نفرت ملی و مذهبی برای مردم عراق به ارمغان نخواهد داشت.

سناریوی آمریکا دو مرحله ای است. طبق این نقشه، ابتدا ژنرال سابق آمریکایی، گارنر، بر عراق حکومت میکند. (اما مشکلاتی که گارنر با آن

مواجه شد، بعلاوه اختلافات درون دولت آمریکا به انتصاب یک آمریکایی غیرنظامی، پل برمر، که کارشناس مبارزه با "توریسم" است بعنوان رئیس کل حکومت عراق انجامید.) سپس یک دولت "عراقی" دست چین شده توسط آمریکا بر مصدر حکومت مینشیند. حضور نیروهای آمریکا و بریتانیا با مخالفت های شدیدی از طرف مردم عراق روبرو شده است. اعتراض به اشغال هر روز گسترش بیشتری میابد. تحت چنین شرایطی انتخاب یک دولت موقت متشکل از تعدادی عراقی که نوکر گوش بفرمان آمریکا هستند تسریع شد. در این مدت چندین جلسه با باصلاح نمایندگان بخش های مختلف جامعه عراق به ریاست آمریکا شکل گرفته است. شرکت کنندگان و دستور جلسه این جلسات بخوبی بیانگر سناریوی سیاهی است که آمریکا برای عراق رقم میزند. روسای قبایل، ملایان، و نمایندگان کنگره ملی عراق که در سال ۱۹۹۱ بعد از جنگ خلیج توسط آمریکا و با پول آمریکا تشکیل شده است، قرار است درباره آینده مردم عراق تصمیم بگیرند و تشکیل دهنده دولت آتی باشند. هم اکنون صحبت از تشکیل دولت موقتی است به رهبری برمر- گارنر و متشکل از چلبی که حقوق بگیر وزارت امور خارجه آمریکاست، مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان، جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی، برادر حکیم، رهبر گروه طرفدار جمهوری اسلامی، و چند نفر دیگر. این نقشه و سناریو هیچ ربطی به احترام به آزادی و اعمال اراده مردم عراق ندارد. این هیچ چیز بجز به سخره گرفتن آزادی و اعمال اراده مردم نیست. این دولت قومی - مذهبی دست نشانده دولت آمریکا از قبل امتحان پس داده است. این یک سناریوی سیاه است.

چه باید کرد؟

تحت این شرایط اولین و مهمترین هدف ایجاد یک شرایط امن و آزاد است تا مردم بتوانند آرزاهند متشکل شوند، فعالیت کنند و سرنوشت جامعه را بدست گیرند. این تنها راه حل قابل قبول است. تا هم اکنون در این فضای تنگ و باریکی که ایجاد شده است، شاهدیم که حزب کمونیست کارگری عراق که در دهه گذشته مجبور به فعالیت زیر زمینی بوده است، به جلوی صحنه میاید. تالیس دفتر علنی این حزب در بغداد، موصل، کرکوک و چند شهر دیگر، برگزاری مراسم اول مه برای اولین بار پس از سالیان دراز، انتشار توزیع نشریه حزب در میان مردم همگی نشانه های امیدوار کننده ای است که نوری بر اوضاع تاریک عراق می تاباند. اوضاع پیچیده و خطیر است. جامعه از هم پاشیده شده است. نیروهای ارتجاعی اپورتونیست در حال پیشروی هستند و در تلاشند که بر موج خشم مردم نسبت به آمریکا و بریتانیا و بر جنبشی که خواهان خروج نیروهای این دو کشور از عراق است، سوار شوند. اسلام سیاسی هم اکنون این پرچم را بلند کرده است.

در این شرایط خطیر نیروهای آزادیخواه و انساندوست و مترقی باید برای تامین بهترین شرایط عملی ممکن تلاش کنند. تنها شرایط عملی ممکن در شرایط حاضر خروج نیروهای آمریکا و بریتانیا و دخالت سازمان ملل است. سازمان ملل باید برای بازگرداندن بلافاصله مدنیته به جامعه و تامین شرایط آزاد و امن برای زندگی و فعالیت سیاسی مردم عراق تحت فشار نیروهای آزادیخواه بین المللی قرار گیرد. سازمان ملل باید به منشوری که حقوق اولیه مردم را تامین میکند، متعهد شود و این منشور را در جامعه حاکم کند. این منشور باید بر اصل تخطی ناپذیر آزادی و برابری کلیه شهروندان و یک حکومت سکولار مبتنی باشد. نقشه شوم و سیاه آمریکا باید

اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت

همانطور که در اطلاعیه های قبلی باطلاعتان رسانده بودیم مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت جمعه و شنبه ۴ و ۵ ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. آذر ماجدی و احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق شما را به شرکت در این مراسم دعوت میکنند. بمنظور تسهیل امور تدارکاتی از دوستانی که مایل به شرکت در مراسم هستند جدا خواهش میکنیم که هر چه سریعتر با ما تماس بگیرند.

اطلاعات دقیقتر در مورد چگونگی برگزاری مراسم بعداً باطلاعتان خواهد رسید. سایت روزنه بخشی را از فردا به مراسم سالگرد منصور حکمت اختصاص خواهد داد. اطلاعیه های جدید و اطلاعات مختلفی که مورد نیاز دوستان است در این سایت بچاپ میرسد. دوستانی که از کشورهای مختلف به لندن میایند و احتیاج به محل اسکان دارند، میتوانند بزودی به روزنه رجوع کنند و اطلاعات لازم در مورد تهیه محل اسکان را دریافت کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر و جهت نامنویسی میتوانید بطرق زیر با کمیته برگزار کننده مراسم تماس بگیرید. بار دیگر از دوستان علاقمند خواهش میکنیم که شرکتشان در مراسم را حتماً با اطلاع دهند.

تلفن: ۷۰ ۵۸ ۳۰۴ ۷۸۱ ۴۴+ جواد اصلانی
ای میل: salgardinfo@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری عراق

آذر ماجدی

۸ مه ۲۰۰۳

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۱"

سه شنبه: ۱۱:۳۰ شب

پنجشنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر

جمعه: ۱۲ ظهر

شنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر

بوقت تهران

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر- ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

بگذارند و برای تغییر این سناریوی سیاهی که در شرف پیاده شدن است بکوشند. اقدام و نیروی مشترک افراد و سازمان های آزادیخواه نه تنها میتواند نقشی حیاتی در زندگی مردم عراق بازی کند، بلکه قادر است تأثیری مهم در برگرداندن موج نظم نوین آمریکا ایفاء کند، نظمی که طوع آن برای عراق و منطقه این چنین ترازیک و ویرانگر بوده است. ■

متوقف شود و نیروهای ارتجاعی، ناسیونالیسم کرد و عرب و اسلامی سیاسی باید محدود شوند. به دولت دست چین شده آمریکا نباید اجازه تشکیل شدن داد. تنها امید برای عراق آزاد و برابر کمونیسم کارگری است. کلیه انسانهای آزادیخواه و سازمانهای انساندوست، چپ و مترقی موظفند برای خاتمه دادن به این تراژدی دولت آمریکا و سازمان ملل را تحت فشار

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!